

قصه‌های ثریا

مجموعه نخست

زیر نظر: ثریا انداز

شامل:

محبت آباد: الهه آقازاده

قلم: مبینا اقبال

نشد دانه‌ها: محمد اردبیهشتی استهبانی

چمن: یاسمین بیگی

پورتن: دین‌محمد: مراد شعباعیان

سرشار: دانه فاضلی

سیمین: زهرا قاسمی

گمشدگی در دنیای پنهان: نورانگ دانه‌قانی

هوا: ثریا نقدزاده

دستان پر مهر: مهدیه وهابی همایون

سرشناسه	: انداز، ثریا، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: قصه‌های ثریا / زیر نظر [و گردآوری] ثریا انداز.
مشخصات نشر	: تهران: مگستان، ۱۳۹۹ -
مشخصات ظاهری	: ج: ۵/۱۴ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-662342-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
مندرجات	: ج: ۱. شامل محبت آباد الهه آقازاده / قلم مبینا اقبال...
موذع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian fiction -- 20th century -- Collections
رده بندی کنگره	: PIR۴۲۴۹
رده بندی دیویی	: ۸۴۳/۶۲۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۴۴۰۴



انتشارات
مگستان

قصه‌های ثریا

مجموعه نخست

زیر نظر: ثریا انداز

طراح جلد: بهروز شجاعیان

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۲۳-۴۲-۱

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: انتشارات مگستان - تهران - تلفن: ۸۸۲۴۹۹۵۶

صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۷۸۹

بخش نخست:

صفحه	نار داستان و نویسنده
۹	محبت آبا : اله اقداده
۳۹	قلم : مبینا اقبال
۵۳	چند داستانک : محمد اردبهرتی ستهانی
۷۹	جنون : یاسمین بیگی
۹۲	پوران، دختر روستا : بهار شجاعیان
۱۱۹	سرباز : ریحانه فاضلی
۱۵۵	سیمین : زهرا قاسمی
۱۷۹	گمشدگی در دنیای پنهان : نورا گُرگانی مقان
۱۹۵	هما : شریا نقدزاده
۲۰۵	دستان پُر مهر : مهدیه وهابی همایادی

بخش دوم:

نام عکاس	صفحه
حجت آقا حسینی	۲۳۲
زهره آقایی محمدی	۲۳۴
فاطمه اسفندیجانی	۲۳۶
زهره اشکمه‌نادر	۲۳۸
زهره بنیادی نایینی	۲۴۰
پردیس حقیقی نایینی	۲۴۲
فرح‌وش صادق‌زاده نایینی	۲۴۴
الهام فردوسی‌زاده نایینی	۲۴۶
زهره قاسمی تودشک‌پورنیه	۲۴۸
فاطمه مرتضوی	۲۵۰
اللهه سادات موسی کاظمی	۲۵۲
سید محسن موسی کاظمی	۲۵۴

مقدمه :

بعضی از ما آدم‌ها می‌دانیم که چه می‌خواهیم؛ یعنی تصور می‌کنیم که می‌دانیم؛ اما معلوم نیست چرا با این خوب فهمیدنمان باز هم آرامش درونی را تجربه نمی‌کنیم و به راحتی خیال و راحتی وجدان نمی‌رسیم. بعضی از ما آدم‌ها محبت را مرزبندی می‌کنیم و برای ابراز آن، خط‌کشی‌های خودی و بیگانه داریم؛ یعنی تصور می‌کنیم که محبت، خط‌کشی دارد.

اما بعضی از ما آدم‌ها با دیگران تفاوت دارند؛ قلب آنها تقسیم آدم‌ها را به خودی و بیگانه برنمی‌تابد. آنها درست همچون باران هستند که فرقی بین خانه من و خانه تو نمی‌شناسند؛ به قول فردوسی، آنها «جهان را چو باران به بایستگی» می‌سند؛ مثل خورشیدند که بر همگان می‌تابند و نور و گرمای خود را از هیچ چیز و هیچ کسی دریغ نمی‌کنند.

این آدم‌ها که در قلب خود و با قلب خود، زندگی می‌کنند، بچه‌ها را درک می‌کنند؛ نوجوانان و جوانان را درک می‌کنند؛ این‌ها هستند که دنیای زیبایی را که در پشت تخریب‌ها و جنگ‌ها و سبزه‌جویی‌ها پنهان مانده، می‌شناسند و درمی‌یابند.

این آدم‌ها در قلب خود و با قلب خود برای آدم بودن و دلم‌ماندن تلاش می‌کنند؛ نفس می‌کشند و زندگی را همان‌گونه که خدا بداده، محبت آفرید، استشمام می‌کنند.

این آدم‌ها در ظاهر، مانند خیلی دیگر از ما هستند؛ با این تفاوت که فرصت نداده‌اند ناملایمات و خودپرستی‌ها، قلبشان را سیاه کنند. از دل خود مراقبت کرده‌اند تا بتوانند آدم باقی بمانند که البته نیز می‌مانند.